

نقد تعریف توسعه اقتصادی رایج و تبیین مفهوم پیشرفت اقتصادی توحیدی و الحادی از دیدگاه قرآن کریم محمدنقی نظرپور^۱، انسیه کاشانی^۲

چکیده

ادبیات توسعه در جهان سوم از دهه ۱۹۴۰ میلادی آغاز شد. در ابتدا تقریباً همیشه توسعه به معنای رشد سالانه تولید ناخالص ملی بوده است، اما معایب این تعریف موجب شد که این تعریف تکمیل گردد؛ از آنجا که تعاریف جدید نیز از جهان‌بینی غرب نشأت می‌گرفت، همچنان ناقص بود و کارایی لازم را برای کشورهای مسلمان نداشت؛ لذا اقتصاددانان مسلمان تعاریف جدیدتری از توسعه مطابق جهان‌بینی خود بیان کردند؛ اما به نظر می‌رسد که این تعاریف نیز، با دیدگاه قرآن درباره‌ی پیشرفت اقتصادی و نقش خداوند در این پیشرفت فاصله دارد. لذا پرداختن به این موضوع جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. این پژوهش در پی پاسخ دادن به این پرسش است که «قرآن چه تبیینی از مفهوم پیشرفت اقتصادی بیان می‌کنند؟» این نوشتار از روش توصیفی - تحلیلی استفاده نموده و بر این فرضیه استوار است که «نقش اصلی ایجاد، در پیشرفت اقتصادی بر عهده‌ی خداوند است و جایگاه انسان، فراهم کننده زمینه‌ی لازم برای این پیشرفت است و پیشرفت اقتصادی برای دو جامعه موحد و ملحد ماهیتی متفاوت دارند». این نوشتار ضمن بیان و نقد تعاریف رایج غرب و اقتصاددانان کشور از توسعه، معتقد است که نباید آنها را به طور کامل کنار گذاشت؛ بلکه باید آنها را اصلاح نمود و خود تعریف جدیدی از آن با عنوان «پیشرفت اقتصادی توحیدی و الحادی» بیان می‌کند که یکی خیر و برکت و دیگری استدراج و عذاب می‌باشد.

واژگان کلیدی: توسعه، پیشرفت اقتصادی توحیدی، پیشرفت الحادی، قرآن کریم

۱- مقدمه

در غرب به علت اصالت داشتن انسان، توسعه‌ی اقتصادی را حاصل تلاش و ذکاوت انسان می‌دانند و جایگاهی برای خداوند در این عرصه قایل نیستند، اما در جهان‌بینی

nazarpur@mofidu.ac.ir
ensiehkashani2002@gmail.com

^۱ . استادیار دانشگاه مفید
^۲ . دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث

قرآنی، خداوند به عنوان عامل اصلی پیشرفت اقتصادی انسان‌ها بیان می‌شود و انسان‌ها باید به مبانی بیان شده در قرآن عمل کنند تا به این پیشرفت مادی برسند؛ کار و کوشش انسان‌ها عاملی در طول اراده‌ی الهی است و انسان‌ها به تنهایی استقلال ندارند؛ از آنجا که توسعه‌ی اقتصادی رایج، مبتنی بر دیدگاه غرب است، پرداختن به دیدگاه قرآن در این مقوله از اهمیت بالایی برخوردار است و از آنجا که قبلاً به موضوع کار و تلاش انسان‌ها و اثر آن در پیشرفت اقتصادی آنها پرداخته شده، در این پژوهش به این موضوع پرداخته نشده و نقش خداوند که کمتر مورد توجه قرار گرفته، در اینجا تبیین شده است. از آنجا که موضوع پیشرفت اقتصادی در جهان و در کشور ما با عنوان «توسعه» مشهور بوده است، این نوشتار ابتدا تعاریف رایج توسعه را بیان می‌کند و آنها را نقد می‌کند و معتقد است که این تعاریف باید اصلاح شوند. سپس دیدگاه قرآن را درباره‌ی پیشرفت اقتصادی بیان می‌کند. از آنجا که به تعاریف توسعه که مبتنی بر جهان‌بینی غرب است، نقدهای مهمی وارد است، در سال‌های اخیر واژه «پیشرفت» به عنوان جایگزین «توسعه» بیان شده است، لذا ما نیز از همین عبارت استفاده خواهیم نمود. فرضیه این پژوهش این است که: «نقش اصلی ایجاد، در پیشرفت اقتصادی بر عهده‌ی خداوند است و جایگاه انسان، فراهم کننده‌ی زمینه‌ی لازم برای این پیشرفت است و پیشرفت اقتصادی برای دو جامعه موحد و ملحد ماهیتی متفاوت دارند.» این نوشتار پس از ملاحظه‌ی آیات مربوط به پیشرفت، به این نتیجه رسید که در قرآن دو نوع پیشرفت اقتصادی بیان شده است. یکی برای موحدان محقق می‌شود و دیگری برای ملحدان و منافقان به وقوع خواهد پیوست، که ماهیت این دو نوع پیشرفت کاملاً با یکدیگر متفاوت است، هرچند ظاهر هر دو پیشرفت استفاده از نعمات مادی است. این پژوهش ضمن بیان ویژگی‌های هر دو نوع پیشرفت بیان می‌کند که یکی خیر است و دیگری عذاب و استدراج.

۲- ادبیات و پیشینه موضوع

۱- حکیمی (۱۳۸۰)، بیان آیات و روایات، نظام اقتصاد اسلامی را توضیح داده و جایگاه مال و منابع آن و مسوولیت حکوت در برابر آن را بیان می‌کند؛ همچنین نظام تکاثر اترافی و روش‌های مهم اسلام برای براندازی این نظام را بیان کرده و راه‌های مبارزه با فقر را از دیدگاه اسلام بیان می‌کند.

- ۲- محمدی ری شهری (۱۳۸۲)، دیدگاه آیات و روایات را درباره پیشرفت و توسعه اقتصادی بیان می‌کند.
- ۳- هادوی نیا (۱۳۸۷) مبانی خدا شناختی، جهان‌شناسی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناسی اقتصاد را بیان می‌کند و ارتباط این مبانی با اقتصاد را توضیح می‌دهد.
- ۴- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۶) سنت استدراج را توضیح داده که در واقع به نیمی از موضوع این پژوهش، که همان پیشرفت اقتصادی الحادی است، می‌پردازد. این کتاب عوامل و مبانی استدراج را بیان کرده است.
- ۵- هادوی نیا (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «جایگاه اقتصادی سنت رزق»، سنت رزق را به طور مبسوط شرح داده و بیان می‌کند که رزق الهی شامل همه‌ی موجودات و انسان‌ها می‌شود.

۳- مفهوم «توسعه‌ی اقتصادی» از دیدگاه غرب و چالش‌های آن

ادبیات «توسعه» در جهان سوم از دهه‌ی ۱۹۴۰ میلادی آغاز شد. در ابتدا تقریباً همیشه «توسعه» به معنای «رشد»^۳ سالانه تولید ناخالص ملی بوده است (تودارو، ۱۳۸۹، ص ۲۱). در خلال دهه ۱۹۷۰ «توسعه اقتصادی» مجدداً تعریف شد (تودارو، ۱۳۸۹، ص ۲۲). بر اساس تعریف تودارو (تودارو، ۱۳۸۹، ص ۲۳)، فریدمن (قره باغیان، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸ و ۷)^۴ و جرالدمی‌یر (متوسلی، ۱۳۸۷، ص ۱۲)^۵ می‌توان گفت که توسعه به معنی «رشد به اضافه‌ی تغییر»، تعریف شد.

در تعریف غرب از توسعه چهار چالش جدی زیر وجود دارد:

- ۱- جهان‌بینی سکولار توسعه، برای وجود خداوند در زندگی انسانی هیچ‌گونه اهمیتی قائل نیست و به زندگی پس از مرگ و مسؤولیت انسان در محضر خداوند باور ندارد (چپرا، ۱۳۸۳، ص ۵۵ و ۵۶)؛

^۳ «رشد اقتصادی» به افزایش کمی و مداوم در تولید یا درآمد سرانه کشور از طریق افزایش در نیروی کار، مصرف، سرمایه و حجم تجارت اطلاق می‌شود (قره باغیان، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷).

^۴ «توسعه به عنوان یک روند خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیر بنایی در سیستم اجتماعی یاد می‌کند.

^۵ توسعه را رشد اقتصادی توأم با «تحولات» تعریف می‌کند و تحولات را به تغییرات در دو حوزه جستجو می‌کند: ۱. ارزشها و نهادها؛ ۲. تغییرات فنی. به عبارتی می‌گوید: توسعه = رشد + تحولات {تغییرات فنی، تغییرات ارزشی و نهادی}

۲- شاخص‌های مادی توسعه از جمله: تولید ناخالص ملی، توزیع درآمد، وسعت فقر و تغییر ساختار اقتصادی، مادی بودن توسعه از دید غرب را نشان می‌دهد (متوسلی، ۱۳۸۷، ص ۱۵-۲۶)؛

۳- توسعه به علت عدم توجه به معنویات ناعادلانه است؛ زیرا توسعه‌ی همراه با عدالت نیازمند استفاده کارآ و عادلانه از همه‌ی منابع است و عدالت و کارآیی بدون وجود معنویت در تعقیب اهداف اقتصادی تعریف نشده و عملی نخواهد بود. (چپرا، ۱۳۸۳، ص ۴۷)؛

۴- جهان‌شناسی توسعه مادی است، به این معنا که خداوند را مدبر عالم ندانسته و فقط اسباب مادی را در جهان و از جمله در اقتصاد مؤثر می‌دانند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸).

چالش‌های جدی توسعه و نیز لزوم استقلال واژگانی هر تمدن، موجب شد که برای احتراز از بار منفی این واژه، با ابتکار مقام معظم رهبری واژه‌ی «پیشرفت» جایگزین «توسعه» شود (دبیر خانه‌ی نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰، ص ۹).

۴- تعاریف رایج از توسعه و پیشرفت در کشور

نویسندگان کشور برای توسعه و پیشرفت تعاریفی بیان کرده‌اند؛ مثلاً در تعریف اول گفته شده: توسعه فرایندی است که متضمن بهبود مداوم در همه‌ی عرصه‌های زندگی انسانی، اعم از مادی و معنوی و بهبود بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (نظر پور، ۱۳۷۷، ص ۲۶). در تعریف دوم، توسعه فرایندی می‌باشد که زمینه شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان را فراهم می‌کند، تا بستر مناسبی برای رشد تولیدات ملی فراهم آید و افراد جامعه در این فرایند، مسیر تکاملی شایسته خود را می‌پیمایند (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱، ص ۲۳). در تعریف سوم، پیشرفت عبارت است از: «فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب»، بر این اساس، الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر باشد: تحلیل وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب و راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب (دبیر خانه‌ی نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰، ص ۶۰ و ۶۱).

۴-۱- نقد تعاریف بیان شده از توسعه و پیشرفت

این تعاریف بیان می‌کند که فرایند توسعه و خود انسان عامل بهبود وضعیت اقتصادی اوست، هر چند این نویسندگان معتقدند که انسان هر چه دارد از خداوند است و پیشرفت او نتیجه کمک اوست، اما تاثیری که قرآن برای خدا در بهبود و پیشرفت اقتصادی انسانها قایل است خیلی بیشتر از این جایگاه است، قرآن می‌گوید اگر انسانها ایمان و تقوا داشته باشند خدا برکات آسمان و زمین را در اختیار انسان می‌گذارد (اعراف: ۹۶)، او به هر که بخواهد بی حساب روزی می‌دهد (نور: ۳۸)؛ اگر فردی تقوا داشته باشد، از جایی که نمی‌تواند پیش بینی کند روزی کسب می‌کند (طلاق: ۳ و ۲)؛ اگر مردمی اهل استغفار و توبه باشند خدا باران فراوان بر آنها می‌بارد و توانشان را می‌افزاید (هود: ۵۲ و نوح: ۱۰ - ۱۲)، این نشان می‌دهد نتیجه‌ای که انسان در زمینه اقتصادی می‌گیرد می‌تواند به مراتب بیشتر از تلاشش باشد و عوامل غیر مادی نقشی فراتر از عوامل مادی دارند که در تعریف توسعه این موضوع بیان نشده است و نقش انسان و خدا به طور مجمل بیان شده و یا حداکثر مفروض انگاشته شده است. همچنین در قرآن پیشرفت اقتصادی موحدین متفاوت از پیشرفت ملحدین است، اما در تعاریف بیان شده، ایمان مردم تاثیری در پیشرفت اقتصادی آنها ندارد.

درباره‌ی تعریف پیشرفت به صورت «حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب» نیز باید گفت، خداوند فرموده: برکات آسمان و زمین را نصیب جامعه‌ی اهل ایمان و تقوا می‌کنم.^۶ که نهایت این برکات برای ما مشخص نیست، همچنین فرموده شما نمی‌توانید نعمات الهی را به شمارش درآورید،^۷ که نشان می‌دهد پیشرفت اقتصادی، مرز و نهایی ندارد. لذا باید گفت که «وضعیت مطلوب و هدف»، به طور نسبی مشخص می‌شود نه به طور کامل.

لذا در تعاریف موجود بیشتر به لایه‌های ظاهری و محسوس پیشرفت - که نقش انسان در این فرآیند هست - توجه شده و این نوشتار می‌کوشد لایه‌های عمیق‌تر پیشرفت اقتصادی - که نقش مؤثر خداوند و عوامل غیر مادی در پیشرفت هست - را مورد توجه قرار

^۶ اعراف: ۹۶، وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.

^۷ ابراهیم: ۳۴، وَ أَنَا كُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِن تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا وَ نَحْل/۱۸: وَ إِن تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا.

دهد. البته باید خاطر نشان کرد که نباید کل تعاریف توسعه و پیشرفت را نفی کرد، بلکه باید آنها را اصلاح نموده و از آنها بهره برد.

۶- تعریف قرآن و روایات از پیشرفت اقتصادی

از نگاه قرآن «پیشرفت انسان - در حالت کلی - در این است که به «فلاح» (بقره: ۵)، «فوز» (احزاب: ۷۱)، «نجات» (فصلت: ۱۸)، «حیات طیبه» (نحل: ۹۵) و قرب الهی برسد» (رجایی، ۱۳۸۲، ص ۴۹). از دیدگاه قرآن انسان‌ها به سوی پروردگار در حرکتند تا به ملاقات او برسند؛^۸ خداوند خودش در این مسیر انسان‌ها را هدایت می‌کند و برای پیشرفت و تکامل انسان هیچ حدی وجود ندارد. لذا در تمدن اسلامی، پیشرفت اقتصادی هدف برتر نیست. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۲، ص ۲۵). پیشرفت اقتصادی جامعه، ابزاریست که آنها را برای حرکت در مسیر کمال و رسیدن به قرب الهی یاری می‌کند.

برای دریافت نظر قرآن درباره‌ی پیشرفت اقتصادی باید دانست که زبان قرآن متناسب با فرهنگ عصر نزولش است. قرآن برای بیان پیشرفت اقتصادی از تعبیر «برکات آسمان و زمین» (اعراف: ۹۶)، «بارش فراوان باران» (هود: ۵۲ و نوح: ۱۱)، «افزایش نیرو» (هود: ۵۲)، «روزی بی حساب» (نور: ۳۸) و ... استفاده کرده است.

بعد از آن برای تبیین پیشرفت اقتصادی از دیدگاه قرآن، باید آیاتی که این مفهوم را بیان می‌کنند جمع‌آوری نمود.^۹ پس از این جمع‌آوری مشخص می‌شود که خداوند پیشرفت اقتصادی را هم برای جامعه‌ی موحد و هم برای جامعه‌ی ملحد ایجاد می‌کند. اما این دو پیشرفت ماهیتی متفاوت دارند و یکی نعمت و دیگری عذاب است.

۶-۱- تبیین پیشرفت اقتصادی توحیدی

پیشرفت اقتصادی توحیدی، همان پیشرفت اقتصادی جامعه‌ی موحد است. منظور از جامعه‌ی موحد، جامعه‌ای است که علاوه بر ایمان به خالقیت و تدبیر مطلق الهی در اداره‌ی جهان آفرینش، خود را در برابر پروردگار مسؤول و پاسخگو می‌داند (مطهری، ۱۳۷۸) و نسبت به فرامین پیامبران الهی التزام عملی دارد.

^۸ . انشقاق ۶: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ.

^۹ . بعضی کتاب‌ها آیات مربوط به پیشرفت اقتصادی توحیدی را جمع نموده‌اند اما کمتر به تبیین این موضوع پرداخته‌اند. (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸ و محمدی ری شهری، ۱۳۸۲)

قرآن در آیات متعددی الگویی از پیشرفت اقتصادی که خداوند برای موحدین ایجاد می‌کند را بیان کرده است. مؤلفه‌های این پیشرفت چنین‌اند:

- ۱- نقش انسان در این پیشرفت به عنوان فراهم کننده زمینه لازم برای آن است و نقش اصلی را خدا ایفا کرده و این پیشرفت را ایجاد می‌کند؛ تمام آیاتی که می‌گوید اگر انسان‌ها ایمان، تقوا،^{۱۰} استقامت و ... داشته باشند، خدا این پیشرفت را برایشان ایجاد می‌کند، نشان می‌دهد که نقش انسان به عنوان فراهم کننده مقدمات است و نقش اصلی را خداوند ایفا می‌کند؛ همچنین در آیاتی از قرآن می‌فرماید که خداوند روزی هر که را بخواهد افزایش می‌دهد و روزی هر که را بخواهد می‌کاهد که این آیات نیز نقش الهی را در پیشرفت نشان می‌دهند مثل رعد/۲۶.
- ۲- یک فرآیند مستمر است که دارای حرکت است؛ بیان فعل مضارع برای روزی دادن بی- حساب به عده‌ای از بندگان، استمرار این کار را نشان می‌دهد: (نور: ۳۸).
- ۳- برای رسیدن به این پیشرفت انسان باید مقدماتی مانند ایمان، تقوا (اعراف: ۹۶)، استغفار، توبه (هود: ۵۲ و نوح: ۱۰ - ۱۲) و استقامت (جن: ۱۶) را فراهم کند؛
- ۴- خداوند به هر که بخواهد این پیشرفت را که خیر و برکت است، می‌دهد و چنین نیست که هر انسانی که کار و کوشش بیشتری کند، لزوماً به پیشرفت بیشتری برسد؛ هر چند سنت خداوند این است که هر که تلاش کند، نتیجه تلاشش را به او می‌دهد و در سوره‌ی اسراء درباره‌ی کسانی که دنیا را می‌خواهند و نیز افرادی که آخرت را می- طلبند می‌گوید به هر دو گروه کمک می‌کنیم: (كَلَّا نُمَدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا).^{۱۱} اما در همین سوره می‌فرماید که هر کس دنیا را بخواهد، ما به هر کس بخواهیم و هر مقدار بخواهیم به او می‌دهیم: (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ).^{۱۲} یعنی چنین نیست که لزوماً هر چه انسان بیشتر تلاش کند بهره‌ی بیشتری به دست آورد؛

^{۱۰} . اعراف: ۹۶: وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.

^{۱۱} . اسراء: ۲۰: هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است.

^{۱۲} . اسراء: ۱۸: آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم و به هر کس اراده کنیم می‌دهیم.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی معانییم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارو بهشت و خرداد ۱۳۹۳

۵- برای اینکه این پیشرفت برای جامعه محقق شود باید همه‌ی مردم اهل ایمان و تقوا باشد و ایمان یکی، دو نفر کافی نیست؛ در آیه‌ی ۹۶ اعراف می‌فرماید که اگر «اهل القری» ایمان و تقوا داشتند، برکات بر آنها نازل می‌شد، در بقیه آیات نیز افعال و ضمائر به صورت جمع بیان شده که نشان می‌دهد همه‌ی جامعه باید ایمان و تقوا و ... داشته باشند تا پیشرفت اقتصادی محقق شود.

۶- این پیشرفت بی‌حساب است (نور: ۳۸) و لزوماً مطابق اعمال نیک بندگان نیست و خداوند متناسب با لطف و کرم خودش آن را به بندگان می‌دهد؛ همچنین این پیشرفت قابل پیش‌بینی برای متقین نیست. (طلاق: ۳ و ۲) که نشان می‌دهد آن نعمات خیلی فراتر از تلاش انسان بوده؛ زیرا نتیجه‌ای که متناسب با عمل انسان باشد برای او قابل پیش‌بینی است.

۷- این پیشرفت پایدار است و علاوه بر دنیا در آخرت و بهشت نیز شامل بندگان می‌شود. آیاتی که بیان می‌کند متاع کافران فقط برای دنیاست و رزق خداوند پایدارتر از آن است (طه: ۱۳۱) نتیجه می‌دهد که رزق خدا علاوه بر دنیا شامل آخرت هم می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۳۴).

۶-۲- تبیین پیشرفت اقتصادی الحادی

منظور از پیشرفت اقتصادی الحادی، پیشرفت اقتصادی جامعه‌ی ملحد است. در توضیح جامعه‌ی ملحد باید گفت که طبق سخن قرآن، اعراب جاهلیت معتقد بودند (یزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶) که: «الله» آفریننده جهان است (عنکبوت: ۶۱، زخرف: ۸۷)؛ او بخشنده باران و به صورت عام‌تر بخشنده زندگی به همه موجودات زنده بر روی زمین است؛ (عنکبوت: ۶۳) او از آسمان و زمین به انسان‌ها روزی می‌دهد؛^{۱۳} اوست که امور را تدبیر می‌کند؛^{۱۴} و ...^{۱۵} آیات دیگری که نحوه‌ی دعوت انبیاء مختلف را بیان می‌کند،^{۱۶} نیز نشان می‌دهد که مردم به وجود خداوند علم داشتند، اما آنها نمی‌خواستند از پرستش خدایانی که

^{۱۳} یونس/۳۱: قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ... فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ.

^{۱۴} یونس/۳۱: ... وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ.

^{۱۵} او پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و عرش عظیم است؛ ملکوت هر چیزی به دست اوست؛ اوست که به دیگران پناه

می‌دهد و در پناه کسی قرار نمی‌گیرد؛ (مؤمنون/۸۶-۹۰)

^{۱۶} مؤمنون/۳۲-۳۴، اعراف/۶۳-۵۹، اعراف/۷۱-۶۵، اعراف/۷۷-۷۳، اعراف/۸۵-۹۳ و ...

داشتند دست بردارند و تعالیم پیامبران را قبول کنند. لذا در جهان بینی الحادی علم به وجود خداوند و تعدادی از صفات و افعال او وجود دارد، اما آنها به آنچه علم دارند، ایمان نداشته و حقیقت را کتمان و تکذیب می‌کنند و این علم تأثیری در زندگیشان ندارد.

قرآن در آیات متعددی بیان می‌کند که خداوند برای ملحدان گشایش و پیشرفت اقتصادی چشمگیری ایجاد می‌کند؛ به طور نمونه می‌فرماید: (فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ).^{۱۷} این آیه بیان می‌کند که درهای همه‌ی نعمات دنیوی را بر روی آنها باز کردیم و عبارت «کل شیء» نشان می‌دهد که این نعمات را بی حساب به آنها دادیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۲۹). معنای آیه این است که وقتی کفار تذکراتی را که به آنها داده شد، فراموش کردند و یا اگر هم یادشان بود از آن اعراض نمودند، ما آنان را استدراج کردیم، یعنی از هر نعمتی به آنان دادیم در نتیجه فرح و سرور در دلشان پدید آمد که ناگاه در حالی که دیگر عذری نداشتند به عذاب خود دچارشان نموده، هلاکشان کردیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۳۰). پیامبر نیز در حدیثی این آیه را بیان کننده‌ی استدراج می‌داند (ورام بن اُبی فراس، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۲۳۲).

آیه دیگری که این پیشرفت اقتصادی را بیان می‌کند، آیه ۵۵ سوره‌ی توبه است: (فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ)؛ اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیآورَد. جز این نیست که خدا می‌خواهد در زندگی دنیا به وسیله اینها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود.^{۱۸} این آیه درباره‌ی منافقین است و می‌گوید متاع زیاد آنها، برای عذاب کردن آنها در این دنیاست و خدا می‌خواهد کافر بمیرند، یعنی این عذاب برای تضرع و بازگشت آنها نمی‌باشد، این آیه گویای استدراج است (هاشمی رفسنجانی ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۲۳).

^{۱۷} انعام/۴۴: پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمتها] را بر آنان گشودیم، تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم، و یکباره نومید شدند.

^{۱۸} آیه ۸۵ همین سوره نیز مضمونی با شباهت زیاد به آیه‌ی بالا دارد: وَ لَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ.

آیات دیگری که پیشرفت الحادی را نشان می‌دهد نیز استدراج را بیان می‌کند.^{۱۹} لذا پیشرفت الحادی همان استدراج است. برای تبیین بهتر پیشرفت الحادی و استدراج باید گفت که قرآن مراحل دعوت انبیا و پاسخ مردم را چنین بیان می‌کند:

۱. هدایت و دعوت پیامبران (اعراف: ۸۵ و ...)

۲. عدم ایمان مردم به پیامبران و تعالیم آنها (اعراف: ۸۸ و ...)

۳. مهلت دادن خداوند به مردم و فرستادن سختی برای بازگشت مردم به سوی حق؛ (اعراف: ۹۴ و ...)

۴. قساوت قلب آنها و اثر نگذاشتن سختی‌ها (انعام: ۴۳)؛

۵. ابتلای مردم به استدراج (اعراف: ۹۵ و ...).

که خود استدراج شامل سه مرحله می‌شود:

۱. مرحله‌ی اول، مهلت دادن به ملحدان که همراه با اعطای نعمات فراوان مادی به آنهاست که به خاطر غضب الهی نسبت به آنها بوده و برای این است که آنها بیشتر سقوط کنند، لذا علیرغم ظاهر نیکویش خیری برای آنها ندارد. (اعراف: ۹۵)

۲. مرحله‌ی دوم، عذاب کردن ناگهانی آنهاست که در همین دنیا محقق می‌شود؛ زمانی که آنها سرگرم تمتعات مادی شدند، ناگهان خداوند از جایی که انتظار ندارند بر آنها عذاب نازل کرده و آنها را هلاک می‌کند؛ این عذاب به صورت طوفان، سیل، صاعقه، زلزله و ... می‌باشد (اعراف: ۹۱)؛

۳. مرحله‌ی سوم، عذاب سخت اخروی این گروه است (ال عمران: ۱۹۶ و ۱۹۷).

به نظر می‌رسد علت اینکه پس از عدم بازگشت مردم به سوی حق، خداوند بهره‌های مادی زیادی در اختیار آنها قرار می‌دهد این است که انسان به زندگی دنیوی: (كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ) و مال و ثروت علاقه‌ی وافری دارد: (وَ تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا)؛^{۲۱} لذا

^{۱۹} . به طور مثال آیات ۵۵ و ۵۶ مؤمنون نیز استدراج را بیان می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۵۷ و هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۲۲).

۲۰ . قیامت/۲۰؛ ولی نه! شما دنیای زودگذر را دوست دارید و نیز آیه‌ی انسان/۲۷: إِنَّ هَؤُلَاءِ يَخِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذُرُونَ وِرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا؛ اینان دنیای زودگذر را دوست دارند، و روزی گرانبار را [به غفلت] پشت سر می‌افکنند.

۲۱ . فجر/۲۰؛ و مال را دوست دارید، دوست داشتنی بسیار و نیز آیه‌ی عادیات/۸: وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ؛ و راستی او سخت شیفته مال است.

خداوند هم ثروت فراوانی در اختیار او قرار می‌دهد: (وَ جَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا)^{۲۲} لذا علت اعطای مال فراوان به کفار که موجب سقوط بیشتر آنها می‌شود، علاقه‌ی آنها به جمع‌آوری ثروت است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- ۱- در تعاریف رایج از توسعه بیشتر به لایه‌های ظاهری و محسوس پیشرفت - که نقش انسان در این فرآیند هست - توجه شده و لایه‌های عمیق‌تر پیشرفت اقتصادی - که نقش مؤثر خداوند و عوامل غیر مادی در پیشرفت هست - مورد توجه واقع نشده است.
- ۲- از نگاه قرآن پیشرفت اقتصادی جامعه‌ی موحد ماهیتی متفاوت با پیشرفت اقتصادی جامعه‌ی ملحد دارد؛ زیرا یکی خیر و برکت و دیگری عذاب است؛ هرچند که ظاهر هر دو پیشرفت بهره‌مندی از نعمات است.
- ۳- قرآن «پیشرفت اقتصادی توحیدی» را یک فرآیند مستمر و دارای حرکت می‌داند که نقش اصلی ایجاد را خداوند ایفا می‌کند. هرچند انسان باید برای بهبود وضعیت اقتصادی تلاش کند، اما نقش او، فراهم کننده‌ی زمینه‌ی لازم برای این پیشرفت است.
- ۴- این پیشرفت خیر و برکت است و خداوند به هر که بخواهد آن را عنایت می‌کند و چنین نیست که هرکس تلاش بیشتری کند، لزوماً به پیشرفت بیشتری برسد. این پیشرفت بی‌حساب، لزوماً مطابق اعمال نیک بندگان نیست و خداوند متناسب با لطف و کرم خویش آن را به بندگان عطا می‌نماید.
- ۵- برای رسیدن به این پیشرفت، جامعه باید مقدماتی مانند ایمان، تقوا، استغفار، توبه و استقامت را فراهم کند و ایمان عده‌ای محدود کافی نیست.
- ۶- این پیشرفت پایدار، علاوه بر دنیا در آخرت و بهشت نیز شامل بندگان می‌شود.
- ۷- «پیشرفت اقتصادی الحادی» نیز یک فرآیند دارای حرکت است که در طول زمان رخ می‌دهد؛
- ۸- وقتی انسان‌ها به مرحله‌ای رسیدند که با سختی‌ها و بلاهای متنه نشدند و بازنگشتند و به «نسیان تذکرات» و «تکذیب آیات الهی» پرداختند، مشمول این پیشرفت می‌شوند

^{۲۲}. مدثر/۱۲؛ و دارایی بسیار به او بخشیدم.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی: مشرف

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر روی نظریه اسلامی ایرانی مشرف

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

به طوری که زیادی این بهره‌مندی‌ها، موجب شگفتی دیگران می‌شود؛ اما قرآن این بهره‌ها را در برابر نعمات اخروی متقین اندک می‌داند؛
۹- این پیشرفت استدراجی موجب می‌شود که کفار لحظه به لحظه بیشتر سقوط کنند و به هلاکت نزدیکتر شوند. این تمتعات علیرغم پندار ملحدان، خیری برایشان نیست و عذاب الهی است؛ فقط مربوط به دنیا بوده و در آخرت عذاب سخت الهی شامل آنها می‌شود.

فهرست مراجع

- ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۸۸). *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تودارو، مایکل. (۱۳۸۹). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: انتشارات کوهسار.
- چپرا، محمد عمر. (۱۳۸۳). *اسلام و توسعه اقتصادی: راهبردی برای توسعه همراه با عدالت و ثبات*. ترجمه محمدنقی نظریور و اسحاق علوی. قم: مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید.
- حکیمی، محمدرضا، محمد و علی. (۱۳۸۰). *الحیاء*، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال. (۱۳۸۱). *فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری)*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رجایی، سید محمد کاظم. (۱۳۸۲). *معجم موضوعی آیات قرآن*. قم: انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- قره باغیان، مرتضی. (۱۳۷۲). *اقتصاد رشد و توسعه*. تهران: نشر نی.
- متوسلی، محمود. (۱۳۸۷). *توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش شناسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الأطهار*، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی معانیسم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدیشت و خرداد ۱۳۹۳

- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۲). توسعه‌ی اقتصادی بر پایه‌ی قرآن و حدیث، با همکاری سید رضا حسینی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۶). استدرج سقوط گام به گام، قم: موسسه بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). مجموعه‌ی آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
- میر معزی، سید حسین. (۱۳۹۰). «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی سازی علوم انسانی» در دبیر خانه‌ی نشست اندیشه‌های راهبردی. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات پیام عدالت.
- _____ (۱۳۹۰). نظام اقتصاد اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
- نظر پور، محمد نقی. (۱۳۷۷). ارزشها و توسعه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰ ق). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، قم: مکتبه فقیه.
- هادوی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۷). فلسفه‌ی اقتصاد (در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ (۱۳۸۶). «جایگاه اقتصادی سنت رزق»، فصلنامه‌ی اقتصاد اسلامی، شماره‌ی ۲۸. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۴). فرهنگ قرآن، قم: موسسه بوستان کتاب.